



# جمله‌هایی از اشعار فاطمه زهرا

احسان فتاحی

رسالت را به نحو احسن انجام داده و تأثیر خوبی در شنونده گذاشته است. مرحوم محقق حلی که از مراجع تقلید و از فقهاء بزرگ اسلامی است، درباره شعر عرب و تأثیر آن می‌گوید: «شعر از بهترین نشانه‌های ادب و از زیباترین افتخارهای عرب است. با شعر بزرگوارها درخواست می‌شود و طبیعتهای خود رأی نرم می‌گردد. اندیشه‌ها را تیز می‌کند و کینه‌ها را از بین می‌برد و تباهی اندیشه‌ها را اصلاح

شعر تعبیری است لطیف از یک اندیشه یا احساس در عباراتی موزون که مقصود را به نیکوترین وجه به روح شنونده القاء می‌کند و از قدیمی‌ترین آفریده‌های روح بشری است و اولین شعر از زبان اولین انسان سروده شد.<sup>۱</sup> می‌گویند: «سبب آن بود که هابیل مظلوم را قابیل مشنوم بکشت و آدم را داغ غربت و ندامت تازه شد. در مذمت دنیا و در مرثیه فرزند شعر گفت.»<sup>۲</sup>

انسان شعر را برای آن گفت تا خود در سخن خویش پنهان گردد و احساس یا اندیشه خویش را به همه جا ببرد. والحق و الانصاف، شعر این

۱. سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۴۷.  
۲. تذکره الشعراء سمرقندی، ص ۲۴.

می‌کند و همتهای را کد را به ثمر می‌نشانند.<sup>۱</sup>

و چه خوب حضرت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمًا وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا»<sup>۲</sup> همانا پاره‌ای از اشعار حکیمانه و پاره‌ای از بیانه‌ها سحرآمیز است.»

در روایات نیز آمده که وقتی آیه «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»<sup>۳</sup> نازل شد، گروهی از شاعران خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده، عرض کردند: تکلیف ما چیست و درباره‌ی شاعران چه می‌گویید؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَجَاهِدُ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ وَ النَّبِيَّ نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَأَنَّمَا يُوْجِهُهُمْ مِثْلَ نَضْحِ النَّبْلِ»<sup>۴</sup> همانا مؤمن با شمشیر و زبانش جهاد می‌کند و قسم به خدایی که جانم به دست اوست! [بر اثر شعر شما] صورت کفار همچون شکافته شده به تیر است.»

و نیز نقل شده است که: «الْمَا نَزَلَتْ «وَ الشُّعْرَاءُ» آيَةَ جَاءَ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ رُوَاحَةَ وَ كَعْبُ بْنُ مَالِكٍ وَ حَسَّانُ بْنُ كَابِتٍ وَ هُمْ يَنْكُرُونَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ آيَةَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّا شُعْرَاءُ أَهْلَكُنَا؟ فَأَنْزَلَ اللَّهُ «إِلَّا الَّذِينَ

آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» فَدَعَاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ فَنَازَلَهُ عَلَيْهِمْ»<sup>۵</sup> و وقتی آیه «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» نازل شد، عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک و حسان بن ثابت [که هر سه شاعر بودند] در حالی که گریان بودند، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و عرضه داشتند: یا رسول الله! خداوند این آیه را نازل کرد و او می‌داند که ما شاعریم، آیا ما هلاک شدیم؟ پس خداوند آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ «مگر آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند» را نازل کرد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را خواند و آیه را بر آنها تلاوت کرد.»

با بررسی زندگانی معصومین علیهم السلام اشعاری نغز و بسیار زیبا می‌یابیم که ائمه اطهار علیهم السلام آنها را برای هدفهای مختلفی سروده و با آن، اندیشه یا

۱. سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۵۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۴، ح ۹۶۹۴.

۳. شعراء / ۲۲۴ «و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی می‌کنند.»

۴. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶، ج ۲، ح ۱۴۶۲.

۵. در المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۵.

احساسات خود را به دیگران فهمانده و تأثیر لازم را در افکار مختلف گذاشته‌اند.

فاطمه زهرا علیها السلام نیز در مدت کوتاه عمر خود، در جاهای مختلف و زمانهای گوناگون اشعاری سروده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. الگودهی به کودکان

کودکان روحشان متمایل به آهنگ و موسیقی است و لذا برای آموزش و پرورش کودکان همواره از شعر استفاده می‌کنند و آموزشها را در قالب شعر می‌ریزند و به خاطر همین، در تبلیغات و سائل یا خوراکیها برای کودکان از آهنگها و سرودهای متنوع بهره می‌گیرند. همچنین مادران برای آرام کردن یا خواباندن کودکان خود از شعرها استفاده می‌کنند.

در روایتی آمده است: هرگاه فاطمه زهرا علیها السلام فرزندش حسن را حرکت می‌داد و بالا و پایین می‌برد، می‌فرمود:

أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ

وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنُ

وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مِثْنٍ

وَلَا تُسْأَلِ دَا الْإِحْسَنِ<sup>۱</sup>

علامه مجلسی در توضیح مصرع دوم بیت اول (واخلع عن...) می‌فرماید:

«حق یا به فتح حاء است، پس کنایه از اظهار اسرار است یا به ضم حاء جمع حقه [به معنای ظرف است]، پس کنایه از سخا و جود است و یا به کسر حاء به معنای بیچه شتر است و کنایه از تصرف در امور است.»<sup>۲</sup>

معنای شعر این است: «ای حسن! مانند پدرت باش و ریسمان از گردن حق باز کن و حقایق را اظهار کن و خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد کینه توز دشمنی نکن!»

و آن حضرت به فرزندش حسین می‌فرمود:

أَنْتَ شَيْبَةٌ بِأَبِي كُنْتَ شَيْبَةً بِعَلِيٍّ<sup>۳</sup>

«و ای حسین! تو شبیه به پدرم

۱. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم،

۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

۲. همان، ص ۲۸۷.

۳. همان.

(رسول الله صلی الله علیه و آله) هستی و به پدرت  
 علی علیه السلام شبیه نیستی.»  
 ۲. مدح علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام لب به ستایش  
 شوهرش، علی علیه السلام می‌گشود و  
 می‌فرمود:

«أَضْحَى الْفَيْحَاؤُ لَنَا وَعِزُّ شَامِئِحْ  
 وَلَقَدْ سَمَوْنَا فِي بَنِي عَدْنَانَ  
 بِنْتُ الْعَلَاءِ وَعَلَوْتُ فِي كُلِّ الْوَرَى

وَتَقَاصَرَتْ عَنِ مَجْدِكَ الثَّقَلَانِ  
 أَغْنَى عَلَيْنَا حَيْزِرٌ مِّنْ وَطْأِ الثَّرَى  
 ذَا الْمَجْدِ وَالْإِفْضَالِ وَالْإِحْسَانِ

فَلَّةَ الْمَكَارِمِ وَالْمَعَالِي وَالْحَبَابِ  
 مَا نَأَخَتِ الْأَطْيَارُ فِي الْأَغْصَانِ؛<sup>۱</sup>  
 افتخار و عزت و الا، از آن ما شد و  
 ما در میان فرزندان عدنان سربلند  
 شدیم.

تو به بزرگی و برتری رسیدی و از  
 همه آفریده‌ها والاتر شدی و جن و  
 انس از عظمت تو عقب ماندند.

مقصودم علی است؛ بهترین کس  
 که گام بر خاک نهاد؛ بزرگوار و دارای  
 احسان و نیکی.

والایبهای اخلاقی و بزرگیها از آن  
 اوست تا آن‌گاه که مرغان بر شاخه‌ها به

ترنم مشغول‌اند.»

### ۳. مبارزه سیاسی

فاطمه زهرا علیها السلام در برابر جریاناتی  
 که بعد از رحلت رسول مکرم  
 اسلام صلی الله علیه و آله به وجود آمد، ساکت  
 ننشست و دست به مبارزه سیاسی زد و  
 با سخنرانیهای افشاگرانه و سرودن  
 اشعاری به بیان ماهیت غاصبان  
 خلافت و مصیبت‌های وارده به وسیله  
 آنها پرداخت.

فضیه خادم آن حضرت نقل می‌کند  
 که گریه فاطمه زهرا علیها السلام در روز هشتم  
 بیشتر شد و به سوی قبر حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله حرکت کرد و گروهی نیز به  
 همراه ایشان بودند. در آنجا حضرت  
 چند بیت نوحه‌ای سرودند که در  
 قسمتی از آن این چنین آمده:

«لَوْ تَرَى الْمَيْتَرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ  
 عَالَاهُ الظَّلَامُ بَعْدَ الضُّيَاءِ  
 يَا إِلَهِي عَجَلٌ وَفَاتِي سَرِيعاً  
 فَلَقَدْ تَنَعَّصَتِ الْحَيَاةُ يَا مَوْلَانِي؛<sup>۲</sup>

۱. نهج‌الْحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)،

مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول،  
 ۱۳۷۲، ص ۱۸۴.

۲. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.

ابن طیفور روایتی را نقل می‌کند که چون فدک را غصب کردند، آن حضرت به سراغ ابوبکر رفت و فرمود:

«آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟» بعد از آن نزد قبر پدر رفته، فرمود:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ  
لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ يَكْبُرِ الْخَطْبُ  
إِنَّا قَدْ ذُنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَإِبَالِهَا  
وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ فَقَدْ نَكَبُوا  
وَ كُفُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ  
عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْتِينَ مُقْتَرَبٌ  
أَبَدَتْ رِجَالَ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ  
لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الشَّرْبُ  
تَجَهَّمْتُنَا رِجَالٌ وَ اسْتَحْفَفَ بِنَا  
لَمَّا فَقِدْتَ وَ كُفُّ الْأَرْضِ مُغْتَضَبٌ  
... إِنَّا رُزِينَا بِمَا لَمْ يُرَزَّ ذُو شَجِينِ  
مِنَ النَّبْرِتِ لَا عَجَمٌ وَلَا عَرَبٌ  
سَيَعْلَمُ الْمُتَوَلَّى الظُّلْمَ حَامَتْنَا  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّى سَوْفَ يَنْقَلِبُ؛<sup>۱</sup>

[پدر جان] اگر به منبری که بالای آن قرار می‌گرفتی، بنگری، [خواهی دید که] تاریکی بعد از روشنایی بر آن بالا رفته. خدایا! مرگ مرا نزدیک گردان که حیات و زندگی بر من تاریک شده است، ای مولای من!

و در جای دیگر فرمود:

«قُلْ لِيَا مُعْتَبِرٍ تَحْتَ أَطْبَاقِ الشَّرِّ  
إِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ صَرَخَتِي وَ نِدَائِيَا  
صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا  
صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا  
قَدْ كُنْتُ ذَاتَ جَمِيٍّ بِظُلْمِ مُحَمَّدٍ  
لَا أَخْشُ مِنْ ضَمِيمٍ وَ كَانَ جَمَالِيَا  
فَالْيَوْمَ أَخْشَعُ لِلذَّلِيلِ وَ اتَّقَى  
ضَمِيمِي وَ أَدْفَعُ ظَالِمِي بِرِدَائِيَا؛  
بگو به آن که در زیر طبقات زمین پنهان است: اگر صدا و ناله مرا می‌شنوی، به جانم ریختند چندان غم و درد مصیبت‌ها که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها من در سایه حمایت محمد ﷺ بودم و از هیچ دشمنی و ظلمی نمی‌ترسیدم و او جمال من بود.

اما امروز در برابر ذیلی ترس دارم و باک دارم به من تعدی شود و من ظالم را با پیراهنم دفع می‌کنم.»

۱. بلاغات النساء، ابن طیفور، بیروت، ص ۱۲. البته در این کتاب تنها دو بیت از این شعر نقل شده و سایر آیات آن در این منابع آمده است:



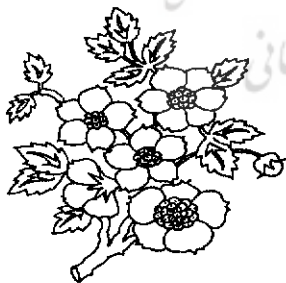
بانوی نمونهٔ اسلام.  
ان شاءالله خداوند توفیق آشنایی  
بیشتر با معارف آن بزرگواران را به ما  
عنایت فرماید!

ما را کجا بکوی تو ممکن شود وصول  
کآنجا خیال را نبود قدرت نزول  
طول زمان هوای تو از سر بدر نبرد

کاصلی بود محبت و الأصل لا یزول  
چشم امید نیست به هیچ آستان مرا  
الا به آستانهٔ فرخندهٔ بتول  
ام الائمة النقبای بانوی جزا

نور الهدی حبیبهٔ حق بضعة الرسول  
زهرا که ز امر حق پی تعظیم شأن او  
در شب نموده زهره به کاخ علی نزول  
صدیقه آنکه کرد پی کسب عز و جاه

روح الامین ز روز ازل خدمتش قبول



بحار الانوار، ج ۲۹؛ الاحتجاج، طبرسی، اسوه،  
ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۶، ص ۲۳۹؛ الغدیر، ج ۷،  
ص ۷۹ و ۱۹۲؛ تفسیر القمی؛ طبقات ابن سعد؛  
شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید.

بعد از تو خیرها و مسائل مختلف  
پیش آمد که اگر تو بودی آن چنان  
بزرگ جلوه نمی‌کرد.

ما تو را از دست دادیم، مانند از  
دست دادن سرزمین، باران را و قوم تو  
مختل ماند و بنگر که چگونه از راه  
منحرف شده‌اند.

هر خاندانی که نزد خداوند قرب  
و منزلتی داشت، بر بیگانگان مقدم بود  
[در حالی که به ما ظلم کردند و حرمت  
ما را شکستند].

آن زمان که رفتی و خاک میان ما و  
تو فاصله انداخت، مردانی اسرار  
سینه‌های خود را برای ما آشکارا  
کردند.

مردانی به ما هجوم آوردند و ما  
کوچک شمرده شدیم، آن زمان که تو از  
میان ما رفتی و هر زمینی غصب شد.  
به ما مصیبتی رسید که در دنیا نه در  
عرب و نه در عجم هیچ کس بدان مبتلا  
نشد.

به زودی در روز قیامت آن کس که  
سبب ظلم به ما بود، خواهد دانست به  
کجا می‌رود.»

این بود گوشه‌ای از اشعار آن